

نزد جمهور و بگو سکون دوم قراوت او است یعنی در صحیح بخاری در مسند
مروست از ابن عمر رضی الله عنهما که اراده می کرد رسول خدا صی در حقیقت
ثلث را در روز دوم و سوم بخوابد هرگاه می آمد بعد از زوال آفتاب
حیره او را که دنیا است ای نزدیک تر نماز را حاجیان است که در حیره
مسجد حقیقت می میکرد حیره او را به هفت سکنه خورده مانند
در آن حال که بعد از آنکه میگفت عقب می هر سکنه خورده او مع نیاید
صحیح مسلم و سنن ابوداؤد و سنن ابن ماجه و مصنف ابن ابی شیبه
مروست از جابر بن عبد الله که می گفت معارفی در می کرد
که حج است معانی قول در فعل هو الاظهر جاکه این صحیح معانی غسل برین
در این که گفت حج است در استیضای خود درین حدیث اشعار است با کبریا
هفت سکنه خورده را یکبار بنشیند از دو لادن را یک سکنه خورده است پس از آن
که در می نشیند سکنه خورده که می گفت که سکنه خورده است پس از آنکه
القبلة فيما طوى بنا قبله عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
الوسطى لكن لا تقبله ذات الشمال يستعمل في تقويم
مستقبل القبلة فيما طوى بنا قبله عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
الجمعة ذات العقبة من بطن الوادي لا تقبله
سهل مضارع معلوم است از اسمال یعنی رسیدن سهیل بقلعه ای
بر زمین نرم صدقون بقلعه ای زمین درشت یعنی در صحیح بخاری در مسند
مروست از ابن عمر رضی الله عنهما که می گفت رسول خدا صی در حقیقت
موضع حیره او را بر مسکنه که تمام این حیره است پس مرسد و در حقیقت

سی
مشهد

در زمین نرم که بطن واد است پس مرا است و مستحق قبده است و در زوال قبل
قدر قراره سورة البقرة پس دعا می کرد و بر میداشت هر دو دست مبارک
خود را بر سینه از قطع باره سفت می میکرد و حیره وسط را مانند حیره او را
سکنه خورده پس میگفت باره می رفت اندک که جهت شمال حیره وسط پس میگفت
بر زمین نرم و می است و برای دعا استقبال قبله است و در این دعا می کرد
و بر میداشت هر دو دست فیاض خود را بر سینه از قطع باره خوب سفت
می میکرد و حیره قصوی را که خداوند مقبل است که واقع است نزد این حیره
بطن و مغاک وادی نه از جای نیست بلند سکنه که در می ازین بلند سکنه است
نزد ما و حاجت نیست نزد امام شافعی یعنی است و رسول خدا صی از زمین حیره نه
برای دعا یا معنی است و است و در این دعا هر تقدیر منانه نیست تحقق دعا
که سیلابا برود است که در روز تخریج نیست که حیره حقیقه او را بر این
در می حیره است ثلث است ابتدا از حیره او را بر سینه وسط است استیذان
بعد می هر یک که حیره زمین بر او دعا بعد می حیره ثلثه و نیز ازین دعا است
مفروض است بعد از آنکه معطر کاران حج و افعال آن بعد است که عمل
میر یافت که آن راهی نیست و این را این حیره کفنه است بعد از است
رسول الله صی در حیره سهیل یعنی سهیل مغایر معنی سبطه الوادیکه
نزدیک که هر یک که حیره او را در وسط واد است و در سینه وسط است
در آمدن در زمین نرم که حیره نه است که مقصد است و در آمدن است و بطن
وادی در زمین بطن نه می از بعد می و در حیره موانع است و در حیره
و است بطن الوادیکه حتی اذا فرغ قال اللهم اجعله

Copyrighted by University